

## بررسی اجتماع پذیر بودن کتابخانه های عمومی

علی محمد اندیشمند: کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد یزد

### چکیده

طراحی کتابخانه ها به عنوان فضاهای عمومی، برای تشویق افراد به مطالعه و کمک به توسعه علمی و فرهنگی در جامعه باید به گونه ای باشند که زمینه های لازم را در جهت افزایش میزان بهره گیری برای تمامی اقشار جامعه را فراهم سازند. از پیامدهای توجه نکردن به جامعه پذیری می توان به کاهش میزان استفاده از کتابخانه، کاهش نقش اجتماعی کتابخانه های عمومی و... می باشد. یکی از عوامل کم بودن تعاملات اجتماعی در کتابخانه های عمومی نبود امکان بحث و گفتگو در فضای داخل و محوطه کتابخانه هاست که این امر مانع ایجاد شبکه های اجتماعی و فعالیت های داوطلبانه می شود که طرح مساله شده است. در مقاله حاضر به نقش کتابخانه های عمومی به عنوان بستر مناسب و ظرفی اجتماعی در جهت رشد جامعه و اجتماع پذیری معماری که جذب کننده افراد باشد و رابطه بین حوزه های عمومی و اجتماعی کتابخانه ها و پیوستگی آن با نقش جامعه پذیر بودن معماری، بدین صورت که با روش تحقیق کتابخانه ای و به صورت استدلال منطقی در مبانی نظری، به جستجوی مولفه های اجتماع پذیری در بعد کالبدی و فعالیتی و نقشی که کتابخانه های عمومی خود را می توانند از شکل و ظاهر قرائت خانه هایی خشک و بی روح، به صورت پویا و مشارکتی در بیاورند و مراجعه کنندگان را به افرادی آگاه و ناظر تبدیل کند و موجب رضایت مندی و سودمندی آنها شود پرداختیم و نتایج این تحقیق ما را به این مهم که فضاهای عمومی از جمله کتابخانه ها ی عمومی باید به گونه ای طراحی شوند که پاسخ گوی نیازهای متنوع گروه های مختلف سنی باشند و این امکان را به مردم می دهند که نسل های مختلف با هم حضور داشته باشند زیرا افراد مختلف به سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی نیاز دارند که مقوله ی اجتماع پذیری یکی از مولفه های ترغیب کننده مراجعت افراد به کتابخانه های عمومی به عنوان یک مکان عمومی است.

واژگان کلیدی: کتابخانه عمومی - اجتماع پذیری - حوزه عموم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

کتابخانه نوعی فضایی عمومی است و فضای عمومی، مطابق تعریف آن باید بستر استفاده و ارتباط جمعی شهروندان و کاربران باشد و بتواند به افزایش فرصت تعامل اجتماعی کمک نماید. لذا یک فضای عمومی شهری مانند کتابخانه باید دارای مشخصه اجتماع پذیری معماری باشد. کتابخانه‌ها به دلیل ارتباط با افراد مختلف جامعه، نقش ویژه‌ای را در ترویج علم و ارتقای فرهنگ کتاب و کتابخوانی دارا هستند (تامسون، ۱۳۸۱). اهمیت کتاب به منزله رسانه‌ای تاثیرگذار بر رفتار فردی و گروهی همانند سایر رسانه‌ها بیشتر در ارتباط با مفهوم «اثرگذاری اجتماعی» تبلور می‌یابد. اثرگذاری اجتماعی مجموعه فراگردهای جامعه پذیری و به ویژه فشاری است که افراد از جانب سایرین در جامعه حس می‌کنند و این فشار باعث می‌شود تا رفتار آنها در جهت هم رنگی و متابعت از جامعه سوق داده شود (کازنو، ۱۳۶۴، ۷۱).

بنابر تعاریف ذکر شده، می‌توان گفت طراحی کتابخانه‌ها به عنوان فضاهای عمومی، برای تشویق افراد به مطالعه و کمک به توسعه علمی و فرهنگی در جامعه باید به گونه‌ای باشند که زمینه‌های لازم را در جهت افزایش میزان بهره‌گیری برای تمامی اقشار جامعه را فراهم سازند. از پیامدهای توجه نکردن به جامعه پذیری می‌توان به کاهش میزان استفاده از کتابخانه، کاهش نقش اجتماعی کتابخانه‌های عمومی و... می‌باشد. یکی از عوامل کم بودن تعاملات اجتماعی در کتابخانه‌های عمومی نبود امکان بحث و گفتگو در فضای داخل و محوطه کتابخانه‌هاست که این امر مانع ایجاد شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه می‌شود (فدایی و دیگران، ۱۳۹۰). استفاده از کتابخانه‌ها صرفاً به منظور قرائت خانه است و تعامل‌های دیگری وجود ندارد. راهبردهایی که شهروندان جهت عدم استفاده از کتابخانه‌ها می‌انتخاب می‌کنند که عبارت‌اند از عدم تمایل به انجام فعالیت‌های داوطلبانه، عدم تمایل به مراجعه خانوادگی و گروهی و غیره می‌باشد. با چنین دلایلی جهت استفاده نکردن افراد از کتابخانه به عنوان کانونی برای تعاملات و اجتماع پذیری برای تمامی گروه‌ها بر آن شدیم در جهت کاهش این پیامدها و تامین نیازهای بالقوه جامعه نگرشی مجدد در جهت پاسخ به پرسش‌های زیر را داشته باشیم:

اجتماع پذیری در کتابخانه‌های عمومی چگونه صورت می‌گیرد؟

مولفه‌های اجتماع پذیری کدامند؟

## اهمیت موضوع:

دریک بنای عمومی به عنوان یک پدیده‌ی انسان ساخت، هماهنگی فضا و بنا با نیازهای انسانی و محیطی (که از اصول توسعه پایدار است) به دلیل دخالت مکانیزم‌های روانشناختی موجب افزایش احساس تعلق شهروندان، ارتقا سطح مشارکت و نهایتاً اجتماع پذیری می‌گردد. امروزه فضاهای عمومی به دلیل رعایت نکردن شاخص‌های توسعه پایدار با مشکلات کالبدی، اقتصادی و اجتماعی زیادی از جمله کاهش همبستگی و احساس بی‌تفاوتی کاربران روبرو هستند. طراحی کتابخانه‌ای به لحاظ اجتماعی و اجتماع پذیر، طراحی فضایی است که ظرف مناسبی برای جای دادن فرهنگ، رفتارها و روش زندگی انسان‌ها باشد. فضای پایدار به لحاظ اجتماعی باید در کنار تقویت جریان زندگی، کیفیت آن را بهبود بخشد. ارتباط انسان و معماری تقویت گردد و فرهنگ و ادراک عمومی نسبت به معماری ارتقا یابد. این موضوع خود منجر به ایجاد جریانی می‌گردد که در آن انسان‌ها به مصرف‌کنندگانی آگاه و ناظرانی دائمی تبدیل خواهند شد. چرا که انسان از طریق همین روابط اجتماعی - فرهنگی به فضا، فرم و عملکرد، اهمیت می‌بخشد و ساماندهی فضا به نوبه خود به تغییر شکل این روابط می‌انجامد. لذا ساخت و طراحی کتابخانه بر فرآیند زندگی اجتماعی تاثیر گذاشته و می‌بایست از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارایی داشته باشد.

## روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار، براساس روش کیفی و استدلال منطقی استوار است. همچنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای اساس بیان، تحلیل، توصیف و تفسیر مطالب موجود در این مقاله را تشکیل می‌دهند. پژوهش کیفی به تفسیر شرایط می‌پردازد و بر نقش محقق به منزله عنصری حیاتی در نتیجه حاصل از تحقیق تأکید خاص دارد. این پژوهش به پژوهشگر امکان تعامل با موضوع می‌دهد، برای گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها از روش‌های انعطاف پذیری استفاده کرده و پدیده‌های مورد مطالعه را از دیدگاهی جامع مورد ملاحظه قرار می‌دهد و به طور کلی پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته است. در ابتدا برای ورود به بحث باید به تعاریف و روابط بین واژه‌ها بپردازیم تا بتوانیم نقش آن‌ها را بررسی کنیم:

## تعریف کتابخانه عمومی:

کتابخانه‌های عمومی به مثابه گنجینه‌های حافظه جمعی متشکل از کتاب‌ها و سایر منابع مدون، که بنا به کارکردهای تعریف شده آن با کارکردهای آموزشی، سیاست گذاری اجتماعی، اطلاع‌رسانی، فرهنگی و اقتصادی به همه مردم ارائه خدمت می‌کند و به عنوان یک نهاد اجتماعی مطرح است، وظیفه‌های فراتر از امر اطلاع‌رسانی و آموزشی دارد. کارکردهایی مانند سیاست گذاری اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در حیطه کارکردهای کتابخانه‌های عمومی تعریف شده‌است، ناظر بر وظیفه اثرگذاری اجتماعی آن است. بنابراین کتابخانه‌های عمومی به عنوان حلقه‌های متفکرانه و دانش مدارانه و نه ژورنالیستی از زنجیره رسانه‌های گروهی که متکفل امر اثرگذاری اجتماعی است مطرح می‌شود، محملی که ضمن احترام به انتخاب فرد، فضای سالمی را برای بالابردن سطح توانایی‌های فکری و معرفتی ایجاد می‌کند (غفاری و شقاقی، ۱۳۸۹).

کتابخانه‌های عمومی هم از حیث منابع اطلاعاتی هدفمندی، که در اختیار دارند و هم از حیث فضایی، که در اختیار مردم قرار می‌دهند، بهترین امکان را برای ایجاد حس مشارکت و آموزش آن و رعایت حریم و حقوق دیگران فراهم می‌آورند و از طریق مطالعه، شرکت در مراسم و فعالیت‌های جمعی مختلفی که خود با استفاده از فضای رایگان کتابخانه‌های عمومی ساماندهی می‌کنند، زمینه‌های ایجاد هم دلی و اعتماد میان خود و افراد و جامعه را فراهم می‌آورند. پژوهشگران حوزه ی کتابخانه‌های عمومی نشان داده‌اند که دسترسی به فضای فیزیکی و سایر زیرساخت‌های کتابخانه‌های عمومی نوعی تعامل در بین شهروندان ایجاد می‌کند و آنها از طریق این تعامل احساس سودمندی می‌کنند که باعث ایجاد اعتماد اجتماعی می‌گردد (ورهیم و دیگران، ۲۰۰۸). کتابخانه به عنوان یک مرکز یادگیری بر آن است تا از طریق ارضا نیازهای شخصیتی و شناختی به رشد و پرورش انسان‌ها کمک کند. بنابراین باید به گونه‌ای طراحی شود که کتابخانه را در رسیدن این هدف یاری کند. معماری کتابخانه باید به گونه‌ای باشد که کاربران از رفت و آمد در آن احساس شخصیت و قدر و منزلت کنند، در نتیجه از طریق شاخص کردن هویت در معماری به ارضا شدن نیاز به کاربر می‌توان کمک کرد. انتظار می‌رود فضا و محیط کتابخانه نه تنها احساس لذت و آرامش را در فرد ایجاد کند، بلکه می‌بایست از طریق پیشرفت هویت در معماری و ایجاد مکان‌های آرامش بخش فضای مطلوبی را برای تامل و تفکر کردن و یادگیری بهتر کاربر مهیا سازد، تا حس خلاقیت و

ابتکار در حین مطالعه برانگیخته شود و استعدادهای درونی اش در محیط کتابخانه به مرحله ظهور برسد (شولتز و سیدنی، ۱۳۸۴). کتابخانه می‌تواند محیطی در جهت تبادل اطلاعات و گفت‌وگو در عین تأمین آرامش باشد و افراد برای حضور در این فضا ترغیب شوند. هم چنین کتابخانه فضایی جهت تبادل و تعاملات اجتماعی می‌باشد.

### کتابخانه و اجتماع:

به نظر می‌رسد برای ادامه بحث بایستی نقش اجتماعی کتابخانه‌ها در حوزه‌های عمومی و ساخت مکان‌های سوم پردازیم. و در رابطه با کتابخانه‌های عمومی و ساخت واقعیت اجتماعی بدین سوال که: کتابخانه‌های عمومی چگونه می‌توانند در حوزه‌ی عمومی مشارکت فعال داشته و زبان و رفتارهای اجتماعی را در جهت ساخت سازه‌های مطلوبی چون خودباوری، خودتکایی، وحدت ملی و... هدایت کنند؟ پرداخت.

### حوزه عمومی:

هابرماس در این مورد می‌گوید: «منظور ما از حوزه عمومی در وهله اول قلمروی از زندگی اجتماعی ماست که در آن چیزی شبیه به افکار عمومی می‌تواند شکل گیرد. دسترسی به این قلمرو برای تمامی شهروندان تضمین شده است. در هر گفتگویی که در آن افراد خصوصی گردهم می‌آیند تا پیکره‌ای عمومی را شکل دهند، بخشی از حوزه‌ی عمومی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی رفتار افراد نه شبیه رفتار تجار یا افراد حرفه‌ای است که در مورد امور شخصی به تبادل نظر می‌پردازند، و نه شبیه رفتار اعضای موسسه‌ای قاعده‌مند است که تابع محدودیت‌های حقوقی بوروکراسی دولتی‌اند. شهروندان هنگامی به مثابه پیکره‌ای عمومی رفتار می‌کنند که به شیوه‌ای بی‌قید و شرط و آزاد به تبادل نظر-یعنی با تضمین آزادی گردهم‌آیی و مراد و آزادی بیان و انتشار عقایدشان درباره‌ی علایق عام بپردازند» (هابرماس، ۱۳۸۱). در حوزه عمومی امکان به کارگیری زبان مشترک اجتماعی فراهم می‌آید و این دقیقاً محل ورود کتابخانه‌های عمومی جهت تأثیرگذاری و ساخت سازه‌های مطلوبی چون خودباوری، وحدت ملی، غرور ملی و غیره در زیست جهان است. کتابخانه‌های عمومی هم از حیث فضا، هم از حیث در اختیار داشتن منابع اطلاعاتی امکان گفتگوی میان افکار مختلف، تضارب معانی متعدد را فراهم می‌آورند (پارسا زاده و شقاقی، ۱۳۸۸).

### کار و ویژه‌های کتابخانه‌های عمومی:

اهداف، نقش‌ها، و کارویژه‌های مختلفی برای کتابخانه‌های عمومی شمرده شده است. در بررسی اهداف و کارکردها در کتابخانه‌های عمومی، «هدف اجتماعی مافوق همه چیز است، هدف آن ایجاد امکاناتی برای همگان و بر اساس نیازها و موقعیت‌هاست تا بتوانند با دسترسی کامل به کتاب‌ها و پیشینه‌های مربوط به اشکال گوناگون، از بهره‌گیری آن‌ها لذت ببرند. تکیه‌ی آن بر خدمت در سطح محلی است، زیرا به درستی باور دارد که باید خدماتش جنبه محلی داشته باشد و هم چنین معتقد است که فرد کتاب خواننده، شهروندی بهتر و سرمایه‌ای ارزنده‌تر برای جامعه خواهد بود به تمامی موادی که برای فرد و جامعه ارزشمند است توجه دارد و موظف است نه تنها به برآوردن نیازهای موجود، بلکه به برآوردن نیازهای گسترده‌تر آتی مردم بپردازد. کتابخانه عمومی به منزله‌ی نهادی اجتماعی که در متن اجتماع کار می‌کند مقام والایی دارد و باید عمدتاً در این متن نیازهای آن مورد تحلیل قرار گیرد» (موکهرجی، ۱۳۸۲، ۳۷).

همچنین، «کتابخانه‌های عمومی یک مرجع فرهنگی برای جامعه تلقی می‌شود. نقش این مرجع فرهنگی این است که با قراردادن افکار، عقاید، و حاصل اندیشه‌های خلاق در کنار یکدیگر، وسیله‌ای برای ایجاد علاقه به مطالعه و تحقیق برای افراد جامعه پدید آورد» (میرحسینی و وباب الحوائجی، ۱۳۷۵). در منشور مشترک یونسکو و ایفلا (۱۹۹۴)، آمده است که کتابخانه عمومی دروازه‌ای است به سوی دانش که شرایط اساسی را برای یادگیری مداوم، تصمیم‌گیری مستقل، و توسعه‌ی فرهنگی افراد و گروه‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. همچنین، «کتابخانه‌های عمومی به لحاظ تأثیرگذاری به کارکردهای آموزشی، سیاست‌گذاری اجتماعی، اطلاع‌رسانی، فرهنگی، و اقتصادی قابل تقسیم است» (گرینهاک و دیگران، ۱۹۹۵).

### کتابخانه به مثابه نهادی اجتماعی:

کارکردهای اجتماعی کتابخانه‌های عمومی کتابخانه به مثابه «یک نهاد اجتماعی» تلقی می‌شود که همانند سایر نهادهای اجتماعی مردمی از جامعه تأثیر می‌پذیرد و به جامعه اثر می‌گذارد. و این مساله را به ذهن‌ها متبادر می‌گرداند که این نهاد اجتماعی در کنار و همانند سایر نهادهای اجتماعی، چه کارکردی می‌تواند برای بهبود وضع عمومی جامعه، جامعه‌پذیری، و تقویت هنجارهای ارزشی و بومی مردم داشته باشد. یکی از مفاهیم عمده‌ای که اندیشمندان امروزه وجود آن را برای بهبود و توسعه مسایل یادشده ضروری می‌پندارند مفهوم سرمایه اجتماعی است. جاکوب در این خصوص توضیح داد که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های قدیمی شهرها صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظم و نظافت، وجود نداشتن جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات، در مورد بهبود کیفیت زندگی به کار می‌روند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۱۰). در کل سرمایه اجتماعی به معنی هنجارها و شبکه‌هایی است که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌کند و با شیوه‌هایی هم چون سنجش سطح اعتماد اجتماعی و سطوح عضویت در انجمن‌های مدنی رسمی یا غیررسمی قابل اندازه‌گیری است. سرمایه اجتماعی مفهومی ترکیبی است که «موجودی» یا میزان این هنجارها و شبکه‌ها را در یک جامعه و در یک مقطع زمانی خاص تشریح می‌کند (تاج بخش و دیگران، ۱۳۸۲، ۱۵۶).

شاید بتوان ایجاد و تکوین سرمایه اجتماعی را به عنوان مهم‌ترین کارویژه کتابخانه‌های عمومی برشمرد. کتابخانه‌های عمومی با توجه به تعاریف و اهدافی که از آن یاد کردیم، و با توجه به مصادیقی که سرمایه اجتماعی می‌تواند داشته باشد به طور گسترده‌ای پتانسیل شکل دهی و تکوین سرمایه اجتماعی را داراست. کتابخانه‌های عمومی به عنوان مراکز علم آموزی، یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که از آن به عنوان پایگاهی برای دستیابی به اطلاعات، شغلی، تجاری، و کسب و کار استفاده کرد، و به افراد جویای حرفه و شغل در جهت دستیابی به مشاغل و حرفه‌های متناسب با توانایی‌های افراد کمک کند. توسعه و گسترش فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی هدایت شده که به توسعه‌ی دانش فردی و اجتماعی خواهد انجامید و مهم‌ترین متولی آن را می‌توان کتابخانه‌های عمومی دانست، رابطه مشخصی با توسعه آگاهی‌های عمومی در خصوص شناخت خود و جامعه و خانواده دارد. از سوی دیگر، فضای کتابخانه می‌تواند منبعی برای تضارب آرا و ایجاد روابط و گروه‌های درسی، فکری، شغلی، و حرفه‌ای باشد که از طریق آن بتوانند از روابط ایجاد شده از محیط کتابخانه به عنوان منبع سرمایه انسانی که تسهیل‌کننده‌ی روابط و ارتباطات انسانی است، بهره ببرند.

کتابخانه‌های عمومی هم از حیث منابع اطلاعاتی هدفمندی، که در اختیار دارند و هم از حیث فضایی، که در اختیار مردم قرار می‌دهند، بهترین امکان را برای ایجاد حس مشارکت و آموزش آن و رعایت حریم و حقوق دیگران فراهم می‌آورند و از طریق مطالعه، شرکت در مراسم و فعالیت‌های جمعی مختلفی که خود با

استفاده از فضای رایگان کتابخانه‌های عمومی ساماندهی می‌کنند، زمینه‌های ایجاد هم دلی و اعتماد میان خود و افراد و جامعه را فراهم می‌آورند. پژوهشگران حوزه ی کتابخانه‌های عمومی نشان داده‌اند که دسترسی به فضای فیزیکی و سایر زیرساخت‌های کتابخانه‌های عمومی نوعی تعامل در بین شهروندان ایجاد می‌کند و آنها از طریق این تعامل احساس سودمندی می‌کنند که باعث ایجاد اعتماد اجتماعی می‌گردد (ورهیم و دیگران، ۲۰۰۸). کتابخانه‌های عمومی تعامل، حس برابری، و اعتماد ایجاد می‌کنند و از این رو نقش به‌سزایی در ایجاد سرمایه اجتماعی دارند. از نظر آنها سازوکاری که باعث ایجاد اعتماد عمومی می‌شود نهاد کتابخانه از یک سو و فضای کتابخانه از سویی دیگر است.

به عبارت دیگر دو نیروی بالقوه در کتابخانه‌های عمومی برای ایجاد سرمایه اجتماعی وجود دارد: یکی نهادی و مرتبط با خط مشی و نظام کتابخانه است و دیگری فضای کتابخانه به عنوان مکان برگزاری جلسات غیر رسمی میان افراد (کاکس و دیگران، ۲۰۰۰). با توجه به این یافته‌ها می‌توان دریافت که از پتانسیل کتابخانه‌های عمومی ایران از حیث منابع دانش، سازماندهی آن، اشاعه ی آن و نیز خدمات عمومی به خوبی در راستای ایجاد و تکوین سرمایه اجتماعی استفاده نشده است و صرفاً فضای رایگان کتابخانه به لحاظ محیط امن، دوستانه، تعاملی و مشارکتی که به وجود می‌آورد باعث ایجاد همدلی و اعتماد می‌گردد. از این حیث است که توجه بیشتر به امکان بالفعل کتابخانه‌ها در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه گذاری در امکان بالقوه آن (کارکردهای کتابخانه‌ای) مطمح نظر می‌باشد (پارسزاده و همکار، ۱۳۸۸).

با توجه به مطالبی که بیان شد و نقش کتابخانه به مثابه یک رسانه می‌توان کارویژه‌های اجتماعی را به سه دسته زیر تقسیم کرد:

#### ۱. کار ویژه‌های مبتنی بر کارگزاری عامل:

در این کارویژه بر نقش کتابداران و به ویژه کتابداران مرجع در کتابخانه‌های عمومی تاکید دارد و مهم‌ترین منبع انسانی کتابخانه عمومی به شمار می‌آید. که در راس همه‌ی منابع دیگر قرار دارد. خدمات فنی کتابخانه و امر اشاعه‌ی اطلاعات و نیز فضای کتابخانه‌های عمومی در حیطه عمل کتابداران قرار دارند.

#### ۲. کار ویژه‌های مبتنی بر خط‌مشی

در این کارویژه بر وظایف نهادی حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی چون مجموعه سازی، و اشاعه‌ی اطلاعات تاکید می‌گردد. سیاست‌های اشاعه اطلاعات می‌توانند حاوی تاکیدی برای در معرض دید قرار دادن یا در معرض مصرف قرار دادن اطلاعاتی باشند که به حفظ هویت ملی و سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند مانند موفقیت‌های ملی در تمامی عرصه‌هاست. و همچنین می‌تواند حاوی تاکیدی برای برگزاری نمایشگاه‌ها، جلسات، سخنرانی‌ها، سمینارها، مسابقات کتابخوانی، و سایر فعالیت‌های فرهنگی که جنبه اشاعه دانش را در خود دارند باشد. (پارسزاده، ۱۳۸۸).

#### کار ویژه‌های مبتنی بر فضا

در کارویژه مبتنی بر فضا به ساختمان کتابخانه از بعد فیزیکی و نیز ایجاد شرایط مساعد برای شکل‌گیری و ایجاد معنا در کتابخانه‌ها تاکید می‌شود. ایجاد و حفظ فضایی فرهنگی، دانش مدار، آرام، و دور از هیاهوی زندگی مدرن که افراد در آن احساس امنیت و آرامش کنند، در جهت جذب مردم به سوی این رسانه‌ی مردمی و مواجه ساختن آن‌ها با رسانه‌ی ریشه‌ای ولی مهجور واقع شده‌ای که برخلاف سایر رسانه‌های دیگر، آن‌ها را به مصرف گرایی و تقلید کورکورانه از الگوهای ضد هویت ملی و ارزشی سوق نمی‌دهد، ضروری است. در طراحی ساختمان کتابخانه‌های عمومی، یکی از اصول مهم این است که این ساختمان باید در مرکز شهر یا محل زندگی مردم واقع شود، در دید باشد، زیبا و جذاب باشد و نباید ساختمان آن تحت الشعاع ساختمان‌های دیگر قرار گیرد و حداقل فاصله را از منازل مردم داشته باشد (پرتو، ۱۳۸۵، ص ۸۷-۱۳۶). چنین تاکیدی برای ایجاد حداکثر راحتی در استفاده از نور، جریان هوا، راحتی میزها و صندلی‌ها، فضا سازی دلچسب و گیرا، و موقعیت محلی و جغرافیایی کتابخانه در محل نشان از اهمیت آن به مثابه رسانه‌ی کاملاً اجتماعی است که کارویژه‌های آن در خدمت حفظ انسجام، سرمایه اجتماعی، و ارزش‌های غایی است (پارسزاده، ۱۳۸۸).

#### حوزه‌ی عمومی و کتابخانه‌های عمومی:

هابرماس مشخصاً در توضیح حوزه‌ی عمومی به قهوه‌خانه‌هایی اشاره می‌کند که مراکز اصلی مشارکت متعهدانه مردم در حوزه‌ی عمومی بودند. مردم یکدیگر را در آنجا می‌دیدند و به یکسان با دوستان و غریبه‌ها راجع به موضوعات مهم بحث می‌کردند. همچنین وی به رسانه‌های چاپی مانند کتاب و روزنامه اشاره می‌کند که در تسهیم دیدگاه‌های موجود نقش زیادی داشته‌اند (اسمیت، ۱۳۸۳، ۸۴). اولین ارزش و رسالتی که برای کتابخانه‌های عمومی ذکر شده است پشتیبانی از نیازهای آموزشی و اجتماعی جامعه می‌باشد (رابین، ۱۳۸۷، ۳۲۴). کتابخانه‌های عمومی ضمن فراهم‌آوری محمل‌های اطلاعاتی از قبیل رسانه‌های چاپی و غیرچاپی، مکان مطالعه و گفتگو و بحث عمومی را نیز فراهم می‌آورند و از حیث گردآوری دیدگاه‌های متنوع و متنوع، محلی مناسب جهت اشتراک ذهنی و زبان عمومی به حساب می‌آیند که برآیند چگونگی و نقش کتابخانه‌های عمومی در مشارکت فعال در بخش‌های اجتماعی می‌باشد.

#### اجتماع‌پذیری معماری:

جامعه‌پذیری فرآیندی است که طی آن اشخاص، الگوهای رفتاری جامعه را در محیط باز ابتدا در خانواده و سپس در گروه اجتماعی کسب می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۵). جامعه‌پذیری در لغت به معنای تمایل و توانایی به برقراری رابطه با دیگران بوده و در معماری به فضایی اطلاق می‌شود که افراد تمایل به حضور در آن داشته و مایل به ترک آن نیستند (یک من و راند کوئیست، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر، یعنی قابلیت و توانایی یک فضا در جذب افراد جامعه، فضای جذاب و جامعه‌پذیر کیفیتی است که در آن فضا، افراد به طرف یکدیگر و به طرف فضا جذب می‌گردند و عکس آن، فضای جامعه‌گریز فضایی است که افراد را از فضا و از یکدیگر دفع می‌کند (عباس زادگان، ۱۳۸۴). ادبیات حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می‌دهد مطالعه فضای کالبدی مستلزم ملاحظه فعالیت‌ها در آن است. بارکر بر ماهیت جمعی - رفتاری فضاهای فعالیت تاکید داشته است و تعاملات جمعی در فضاهای فعالیت را به مثابه قابلیت برای فضا مورد تاکید قرار داده است (Barker, 1968). در واقع اهمیت اجتماع‌پذیری فضا به حدی است که بسیاری از نظریه پردازان بر تاثیر این کیفیت بر دل‌بستگی به مکان زندگی تاکید ورزیده‌اند. بر طبق این نظرات دل‌بستگی به مکان نه تنها توسط وجوه فیزیکی در یک مکان تقویت می‌شود بلکه کیفیت تعاملات اجتماعی در مکان نیز بر دل‌بستگی به مکان مؤثر می‌باشند (Poll, 2002). حال به منظور مطالعه تعاملات جمعی در فضا، مفاهیمی همچون اجتماع‌پذیری را مورد مطالعه قرار داده است (دانشگر مقدم و دیگران، ۱۳۸۹). در مطالعه وی محیط به دو دسته محیط‌های اجتماع‌پذیر و محیط‌های اجتماع‌گریز (لنگ، ۱۳۸۳) دسته بندی شده‌اند. محیط‌های اجتماع‌پذیر موجب تشویق و ترغیب تعاملات جمعی می‌گردند و محیط‌های اجتماع‌گریز تعاملات جمعی را کم می‌نمایند (Hall, 1982). در هر محیط، فضای کالبدی به مثابه سامانه ای فضایی

عمل می‌نماید و مشخصه‌های این سامانه فضایی بر تعاملات جمعی کاربران موثر است (pasalar, 2003). بر این اساس مولسکی و لنگ (Moleski&lang, 1986) بیان داشته‌اند که مکان فیزیکی در حالتی ایده‌آل به سه صورت از رفتارها و رویدادهای رفتاری در فضا پشتیبانی می‌نماید، نخست این که مکان فیزیکی عناصر فیزیکی و مشخصه‌های لازم برای تداوم و پایایی آسایش افراد در محیط را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال نور، ویژگی مهمی در محیط فیزیکی است که مکان فیزیکی چگونگی آن را مشخص می‌نماید.

دوم اینکه محیط فیزیکی فراهم کننده امکانات و سازماندهی فضایی است که نظام‌ها و الگوهای ویژه فعالیت در فضا را قوام می‌بخشد و دیگر فعالیت‌ها را کمرنگ می‌نماید. به عبارت دیگر محیط فیزیکی شکل‌گیری روابط جمعی را تسهیل نموده، سطح مطلوبی از خلوت را در فضای فعالیت فراهم می‌آورد. متغیرهای عملیاتی در این سطح شامل ابعاد، هندسه فضا و روابط و ارتباطات فضایی در فضاهای فعالیت می‌باشد. در نهایت محیط انسان ساخت مولد و تضمین کننده احساسات، تجارب و ادراکات نمادین و زیبایی شناسانه است که به مثابه کیفیاتی در محیط، ادراکات کاربران را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این سه سطح همواره به صورتی تعاملی و متغیر رابطه بین تعاملات اجتماعی و نظام‌های رفتاری در فضا را کنترل می‌نمایند (دانشگر مقدم و دیگران، ۱۳۸۹). فضای جامعه پذیر و دعوت کننده جایی است که بتوانیم با هم‌شهری‌هایمان دیدار کنیم و از راه حواسمان به تجربه اندوژی بپردازیم (گهل، ۲۰۰۴). فضاهای جامعه پذیر محیط‌هایی هستند که بتوانند تجربه‌ی انسان را بهبود بخشند، بستر فعالیت‌ها و رفتارهای متنوعی باشند و توانایی پذیرش رفتارهای دلخواه شهروندان را داشته باشند (لنگ، ۱۳۹۱). فرآیند جامعه پذیری و ارتقای حیات جمعی درون فضاهای عمومی شامل این مراحل است: پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تامین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا (دانشپور، ۱۳۸۶).

در چنین فضاهایی توفیق ملاقات دست داده و مورد استفاده گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد و از همین رو مقره‌هایی اند که به هویت جمعی تعلق دارند (مردمی و دیگران، ۱۳۹۲). کتابخانه در قرن حاضر به عنوان یک مجموعه‌ی شهری قلمداد می‌شود، مجموعه‌های شهری از جلوه‌های اصلی شکل‌گیری شهرهای بزرگ بوده و تاثیری قابل توجه بر مطلوبیت مولفه‌های کیفیت در محیط زندگی شهروندی دارد (پورجعفر، ۱۳۹۰). برای آن که فضای کتابخانه پذیرای جامعه باشد، ملاحظات معمارانه‌ی ویژه‌ای لازم است تا مردم پاسخ نیازهای فیزیکی و روانی خود را در فضا بیابند و دلایل فراوانی برای آمدن و ماندن در آن داشته باشند (مردمی، ۱۳۹۵). در این راستا چون کتابخانه‌های عمومی جزء فضاهای عمومی اجتماع پذیر قرار می‌گیرند و باید ویژگی‌هایی دارا باشند مستلزم تامین عوامل زیر است: (ناصرالمعمار و دیگران، ۱۳۹۶).

- ۱- تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خوانایی و قابل پیش بینی بودن فضا
  - ۲- وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی
  - ۳- میزان اطلاعات، شور هیجان محیطی که مستلزم وجود ابعادی چون پدیدگی، رمز آلودگی هویت یابی، خلوت جویی و دلبستگی در فضا است.
  - ۴- تعاملات اجتماعی: از میان عوامل بالا مواردی چون تعیین خلوت، قلمرو، خوانایی، آسایش و امنیت بر بعد کالبدی و عواملی چون کسب آگاهی و تجارب محیطی، حضور و تعاملات اجتماعی بر بعد فعالیتی فضا اشاره دارد. برای ایجاد فضایی با رویکرد پایداری اجتماعی و حفظ حیات جمعی در آن می‌توان به معیارهای زیر توجه داد: (منبع همان)
  - فراوانی مکان‌های نشیمن
  - کیفیت خوب و مداوم فضاهای عمومی
  - وسیع بودن و گشودگی فضاهای عمومی
  - مکانی برای نشستن، حرف زدن، نگاه کردن، تقابلات رو دررو
  - تعادل بدون تقارن
  - تنوع و جزییات محصور کننده (گیاهان و درختان و رنگ و بافت‌های مختلف)
  - تناسب در فضاهای عمومی
  - رنگ و نور متناسب با فضای عمومی
  - ایجاد فضای مکث و گفتگو نظیر تراس‌های پلکانی، مجسمه‌های پله دار، نشیمن گاه‌ها و ...
- حیات جمعی فرصتی جهت رها شدن از تنش‌های روزمره، گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه‌های مختلف و بستری برای حضور، آزادی بیان و ابراز آنها در فضا است (بهزادفر و همکار، ۱۳۹۲).

### مولفه‌های اجتماع پذیری:

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، عوامل بالا در دو دسته کلی عوامل «کالبدی» و «فعالیتی» قرار می‌گیرند. عواملی که بر بعد کالبدی تاکید می‌کنند چون تامین خلوت، قلمرو، خوانایی، آسایش و امنیت هستند و عواملی هم چون تجارب محیطی، حضور و تعاملات اجتماعی بر بعد فعالیتی قضا اشاره دارند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶، ۲۳).

الف) مولفه‌های کالبدی: بسیاری از پژوهش‌های اخیر رابطه مشخصه‌های کالبدی فضا و تعاملات جمعی را محور خود قرار داده‌اند. محور این پژوهش‌ها بر این است که در هر محیطی فضای کالبدی به مثابه سامانه‌ای فضایی عمل می‌کند و مشخصه‌های این سامانه فضایی بر تعاملات جمعی کاربران موثر است (Pasalar, 2003). در این مطالعات رابطه میان سازماندهی اجتماعی و ساختار محیط انسان ساخت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بر این اساس مکان فیزیکی در حالت ایده‌آل به سه صورت از رفتار و رویدادهای رفتاری در فضا پشتیبانی می‌نماید.

نخست این که مکان فیزیکی عناصر فیزیکی و مشخصه‌های لازم برای تداوم و پایایی آسایش افراد در محیط را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال نور، ویژگی مهمی در محیط فیزیکی است که مکان فیزیکی چگونگی آن را مشخص می‌کند. دوم این که محیط فیزیکی فراهم کننده امکانات و سازماندهی فضایی است که نظام‌ها و الگوهای ویژه فعالیت در فضا را قوام می‌بخشد و دیگر فعالیت‌ها را کمرنگ می‌نماید؛ به عبارتی محیط فیزیکی شکل‌گیری روابط جمعی را تسهیل نموده، سطح مطلوبی از خلوت را در فضای فعالیت فراهم می‌آورد. این امر شامل ابعاد، هندسه فضا و روابط و ارتباطات فضایی در فضاهای فعالیت است. در نهایت محیط انسان

ساخت مولد و تضمین کننده احساسات، تجارب و ادراکات نمادین و زیبایی شناسانه است که به مثابه کیفیاتی در محیط، ادراکات کاربران را تحت تاثیر قرار می دهند.

این سه سطح همواره به صورتی تعاملی و متغیر رابطه بین تعاملات اجتماعی و نظام‌های رفتاری در فضا را کنترل می نمایند (Moleski & Lang, 1986). فضا دارای منطقی اجتماعی-جمعی بوده که از طریق تحلیل ساختار فضایی و فعالیت‌های کاربران، چگونگی سازمان دهی فضا توسط معماران قابل درک است. در محیط انسان ساخت از یک طرف الگوهای جمعی در محیط برخوردار از نظام‌های فضایی هستند و از طرف دیگر محتوای فضایی محیط دارای الگوهای جمعی است (Hiller and Hanson, 1984). سازمان فضایی می تواند تعاملات اجتماعی مطلوب را تقویت نماید و هم چنین می تواند بر ایجاد خلوت مطلوب نیز تاثیر مستقیم داشته باشد. در واقع می توان از طریق سازمان دهی مناسب فضاها و چیدمان فضایی به سطح مناسبی از ارتباطات و خلوت مطلوب متناسب با فعالیت‌های فضاها مورد نظر دست یافت (Archea, 1999).

مولفه‌های کالبدی اجتماع پذیری فضای عمومی با عواملی هم چون نحوه دسترسی، موقعیت قرارگیری، آسایش در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت در رابطه است. از ابعاد کالبدی فضای عمومی و قابلیت‌های آن در رابطه با اجتماع پذیری فضا می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- موقعیت قرارگیری و دسترسی‌های سواره و پیاده
- چگونگی شکل‌گیری و سامان دهی فضاها عمومی
- فرم، هندسه، نظم، هماهنگی، تشخص، هارمونی، تنوع ابعاد و تناسب و سایر ابعاد زیباشناسانه (دانشپور و همکار، ۱۳۸۶، ۲۵).
- علاوه بر این موارد، وجود عناصر طبیعی در این فضاها موجب افزایش هیجان و سرزندگی و دعوت‌کنندگی و ایجاد تجربه‌های خوشایند برای افراد می شود که باعث افزایش حیات جمعی در فضا می گردد (دانشگر مقدم و دیگران، ۱۳۹۱).

ب) مولفه‌های فعالیت: ادبیات حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می دهد که مطالعه فضای کالبدی مستلزم ملاحظه فعالیت‌ها در آن است. بارکر بر ماهیت جمعی- رفتاری فضاها فعالیتی تاکید داشته است و تعاملات جمعی در فضاها فعالیتی را به مثابه قابلیت برای فضا مورد تاکید قرار داده است (Barker, 1968). بر طبق این نظرات دل‌بستگی به مکان نه تنها توسط وجوه فیزیکی تقویت می شود بلکه کیفیت رفتارها و تعاملات اجتماعی در فضا نیز بر دل‌بستگی به آن موثر هستند (Poll, 2002). بنابراین مشخصات کارکردی فضاها عمومی می تواند بر کیفیت و کمیت جذب مردم برای توقف و تعامل در این فضاها تاثیر گذار باشد (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳).

وقوع رویدادهای خاص در فضا از قبیل نمایش های خیابانی، هنرهای عمومی و رخدادهایی از این دست که مردم را با یکدیگر پیوند می دهند، به جذابیت فضاها می افزایند و در فرآیند چنین رخدادهایی، موقعیت‌هایی جهت برقراری ارتباط بین مردم و تمایل به گفتگو بین آن‌ها ایجاد می گردد (Whyte, 1980). از سویی دیگر بعد فعالیتی فضاها با فعالیت‌ها و کاربری‌های پیرامون خود نیز مرتبط است. هم چنین فضاهایی در برقراری تعاملات اجتماعی موفق هستند که از تعامل پویا، آموزش محیطی، تبادل آزاد اطلاعات در قالب فعالیت‌هایی چون نمایش و آموزش مهارت، کسب تجارب محیطی و امکان بیان خلاق افراد و گروه‌ها حمایت نمایند؛ این امر منجر به افزایش حس همبستگی اجتماعی و در نتیجه رضایت‌مندی بیشتر می گردد. در این راستا شناخت ابعاد موثر در مولفه فعالیتی اجتماع پذیری و تامین مابه ازای کالبدی آن‌ها منجر به افزایش حیات جمعی می گردد، از جمله:

- ارزیابی عملکرد فضاها در فصل‌های مختلف
- نحوه استفاده کاربران از فضاها عمومی
- شرایط و ویژگی‌های گذران فراغت
- مشکلات و موانع تحرکات پیاده

بر مبنای مطالب اشاره شده در مورد اجتماع پذیری فضا و ابعاد مختلف کالبدی و فعالیتی فضاها عمومی، فرآیند اجتماع پذیری در درون فضاها عمومی را مبتنی بر چهار مرحله پذیرا بودن فضا جهت حضور افراد، تامین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن از حضور در فضا و تداوم حضور اجتماعی فعال در فضا می دانند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶).

شرط اصلی بروز فعالیت‌های جمعی چه به صورت فعال و چه منفعل، وجود شرایط محیطی مناسب و حضور دیگر افرادی است که جهت انجام فعالیت‌های اختیاری و ضروری به فضا مراجعه نموده‌اند (Tang, 2009). از نیازهای مهم هرانسان نیاز به برقراری رابطه با دیگران است که زمینه ساز حضور انسان‌ها در فضا می باشد روابط متقابل اجتماعی از آن سو لازم است که احساس تعلق و دوست داشته شدن را در افراد ایجاد می کند لذا فضاهایی که این ارتباطات را فراهم می سازند فضاهای مطلوبی محسوب می شوند (لنگ، ۱۳۹۰).

درباره اجتماع پذیری مفاهیمی مورد بحث قرار می گیرد که عبارتند از: خلوت، قلمرو، حریم، فضای شخصی، تراکم و ازدحام. این عوامل در تحلیلی اجتماعی و روان شناختی، در نحوه تعامل رودرروی افراد و تاثیر محیط فیزیکی بر این تعامل و نیز نحوه بهره‌برداری افراد از محیط برای برقراری اجتماعی تاثیر می گذارند. خلوت، فضای شخصی، ازدحام و رفتار قلمروپایی، ادراک راحتی و کیفیت محیط را تحت تاثیر قرار می دهند. نیاز به خلوت، فضای شخصی و قلمروپایی در انسان عمومیت دارد و به ارضای نیازهای دیگری چون امنیت، خود شکوفایی و عزت نفس ربط دارد (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱).

اجتماع پذیری و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲). شناخت کافی از انسان و نحوه ارتباطات با سایرین و چگونگی آن می تواند در شکل دهی محیط برای برقراری بیشتر تعامل و ارتباط موثر باشد. لذا در این روند با بررسی انسان به عنوان یک موجود اجتماعی که دارای سطوح کمی و کیفی مختلفی از تعاملات اجتماعی است، شناخت قرارگاه‌های رفتاری و مناسبت‌های اجتماعی و فعالیت‌های درای ظرفیت‌های بالقوه برای کنش‌های اجتماعی و روابط معنادار، اهمیت پیدا می کند (بهزاد فروطهماسی، ۱۳۹۲).

افراد مختلف به سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی تمایل دارند. تعریف سطوح مطلوب تعامل، به طور ذهنی از گفته‌های مردم و به طور عینی از موضع‌گیری هنجاری نسبت به زندگی خوب به دست می آید. هردو از تعریفی دارای ارزش بالا برخوردارند و دارای جهت‌گیری اجتماعی و سیاسی هستند (لنگ، ۱۳۸۱). طریقه

دستیابی به روابط اجتماعی منسجم و پایدار و ارتقای تعامل و حضور در فضاهای عمومی نیازمند این است که ما دانش خود را در باره چگونگی الگوهای مختلف اجتماعی شدن توسعه دهیم و این خود حوزه ای گسترده از مطالعات را در زمینه‌های مختلفی چون بررسی تعاملات بین نژادی، سنی، بین جنسی و بین طبقاتی را می‌طلبد.

در زیر پاره‌ای از موارد تاثیر گذار بر تعاملات اجتماعی به اختصار اشاره می‌شود که طیف وسیعی از مولفه‌های ادراکی و مفهومی تا مولفه‌های کالبدی و عینی را در بر می‌گیرد: ازدحام و تراکم، هنجارها و روابط اجتماعی، باورها و اخلاق، طبقه بندی اجتماعی، خلوت و قرارگاه فیزیکی و... (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲). از دیگر مولفه‌هایی که می‌توان در نظر گرفت موضوع رضایت‌مندی است که هر قدر میزان احساس رضایت نسبت به یک محیط بیشتر شود، افراد احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت به آن محیط نموده و از بودن در آن محیط احساس آرامش بیشتری می‌کنند و نهایتاً روابط در محیط گرم تر و تاثیر محیط بر افراد بیشتر خواهد شد (دبیحی و دیگران، ۱۳۹۰). عوامل موثر در رضایت‌مندی از فضاهای عمومی در سه بخش تنظیم می‌شوند: دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی به عنوان مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری شناسایی شدند (رفعیان و خدائی، ۱۳۸۸).

### نتیجه‌گیری:

در دنیای صنعتی امروز با وجود سیستم‌های دیجیتال اجتماع پذیری در جوامع به حال فراموشی است و این که افراد را چگونه می‌توان در کنار هم نگه داشت و مشارکت داد مورد توجه قرار گرفته است. کتابخانه نوعی فضایی عمومی است و مطابق تعریف آن باید بستر استفاده و ارتباط جمعی شهروندان و کاربران باشد و بتواند به افزایش فرصت تعامل اجتماعی کمک نماید. لذا یک فضای عمومی شهری مانند کتابخانه باید دارای مشخصه اجتماع پذیری معماری باشد. کتابخانه‌ها به دلیل ارتباط با افراد مختلف جامعه، نقش ویژه‌ای را در ترویج علم و ارتقای فرهنگ کتاب و کتابخوانی دارا هستند. اهمیت کتاب به منزله رسانه ای تاثیرگذار بر رفتار فردی و گروهی همانند سایر رسانه‌ها بیشتر در ارتباط با مفهوم «اثرگذاری اجتماعی» تبلور می‌یابد.

اثرگذاری اجتماعی مجموعه فراگردهای جامعه پذیری و به ویژه فشاری است که افراد از جانب سایرین در جامعه حس می‌کنند و این فشار باعث می‌شود تا رفتار آنها در جهت هم رنگی و متابعت از جامعه سوق داده شود. فعالیت‌های انسان معلول نیازهای اوست. فضاهای عمومی باید به گونه‌ای طراحی شوند که پاسخ گوی نیازهای متنوع گروه‌های مختلف سنی باشند فضاهای عمومی این امکان را به مردم می‌دهند که نسل‌های مختلف با هم حضور داشته باشند زیرا افراد مختلف به سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی نیاز دارند مقوله‌ی اجتماع پذیری یکی از مولف‌های ترغیب کننده مراجعت افراد به کتابخانه‌های عمومی به عنوان یک مکان عمومی است. اجتماع پذیری فضا می‌تواند موقعیت‌هایی را برای فعالیت‌های جمعی مناسب بین افراد فراهم آورد و باعث رشد و شکوفایی افراد و هم چنین خالی نماندن کتابخانه و مطالع به صورت گروهی و هم چنین مطالعه بین نسلی صورت پذیرد.

### منابع و مراجع:

۱. بهزادفر مصطفی و طهماسبی ارسلان (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیر گذار بر تعاملات اجتماعی. نشریه علمی پژوهشی باغ نظر. سال دهم شماره ۲۵، صص ۱۷-۲۸.
۲. پارسا زاده احمد و شقاقی مهدی (۱۳۸۸). کتابخانه‌های عمومی وساخت واقعیت اجتماعی. تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۱۵(۴)، ۲۹-۶۰.
۳. دانشگر مقدم گلرخ، بحرینی سید حسین و عینی فر علی رضا (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متاثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت؛ مطالعه موردی نمونه‌های مسکونی شهر همدان. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی شماره ۴۵، تهران، صص ۲۵-۳۶.
۴. زمان وزیری سپیده و ناصر المعمار کیانوش (۱۳۹۶). بررسی نقش فضاهای عمومی در شکل‌گیری پایداری اجتماعی در مجموعه‌های فرهنگی. چهارمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی پایداری و تاب آوری. دانشگاه آزاد قزوین.
۵. صیادی سید احسان و مداحی سید مهدی (۱۳۹۱). معماری پایدار. چاپ دوم. تهران؛ انتشارات لوتس
۶. نوکارتیزی ناهید و فرید سارا (۱۳۹۴). راهکارهایی برای افزایش تعاملات اجتماعی در کتابخانه در راستای پایداری اجتماعی. کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین در عمران معماری و مدیریت شهری، ایران.
۷. محمدی محمد و آیت الهی محمد حسین (۱۳۹۳). عوامل موثر در ارتقای اجتماع پذیری بناهای فرهنگی؛ بررسی موردی: فرهنگ سرای فرشچیان اصفهان. تهران: نامه معماری و شهرسازی دوفصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۱۵، صص ۷۹-۹۶.
۸. مزینانی علی (۱۳۸۵). کتابخانه و کتابداری. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران.
۹. مردمی کریم و سلیمان پور احسان (۱۳۹۵). نقد معماری بنای کتابخانه ی مرکزی و مرکز اطلاع رسانی شهرداری اصفهان. تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۲(۳)، ۳۵۵-۳۷۷.